

بازی برد، برد

حسین نورانی نژاد

بازی پرسپولیس و صنعت نفت آبادان را در استادیوم بودم. به عنوان کسی که از اوایل دهه 60 تاکنون با فضای ورزشگاه‌ها آشناست، به جرات می‌گویم که یکی از بهترین و سالم‌ترین فضاهای هواداری را تجربه کردم. دلیلش هم معلوم است. حضور زنان که هم تشویق‌های پرشورشان، باعث گرم‌تر شدن فضای ورزشگاه شده بود و هم رعایت حرمت حضورشان در بین اکثریت مردان که باعث مهار ناسزاگویی‌های رایج شد. برخی می‌گویند که این مساله احتمالاً به دلیل کم‌حاشیه بودن مسابقه و نتیجه مطلوب گرفتن تیم پرطرفدار این بازی، یعنی پرسپولیس باشد. ان‌شاءالله که این‌طور نیست. می‌توان شواهدی برای این امیدواری آورد. به عنوان مثال، بازی استقلال و فجر سپاسی در جام حذفی سال 1398 که آن هم شبیه همین شرایط بود با فرزند کوچکم در استادیوم بودم، اما چنان فضای آلوده‌ای بود که پس از آن جرات تکرارش را پیدا نکردم. نه فقط با فرزند و خانواده، بلکه سطح فحاشی‌ها به قدری زیاد شده بود که با هر بار رفتن به ورزشگاه تا مدتی هوای آن از سر می‌افتاد. چهارشنبه گذشته، حضور زنان در استادیوم به قدری عادی و بی‌مساله بود که در مکالمات هواداران دور و بر نیز به چشم می‌آمد. آنها ضمن خوشحالی از حضور زنان و به‌کارگیری ادبیات محترمانه درباره آنها، از بی‌دلیل بودن محرز سال‌ها منع حضور زنان در استادیوم‌ها می‌گفتند. موضوعی که با حل تدریجی آن، ان‌شاءالله در سایر شهرها و ورزشگاه‌ها و با حضور بیشتر زنان و در جای مناسب و نه پشت دروازه و نقطه پرت سکوها و حتی به شکل خانوادگی و همراه یکدیگر ادامه پیدا کند و اسباب یک تفریح خوب و دلچسب برای خانواده‌ها فراهم شود. اما نکته این است که واکنش مناسب از سوی طرفداران حضور زنان در استادیوم‌ها چگونه باشد که این مسیر ادامه پیدا کند. یک راه این است که این اتفاق خوب به ابزاری برای شکست خورده نشان دادن جریان رقیب بدل شود. دائم به نقش فیفا در این باره ارجاع یا مخالفت‌های پیشین با این موضوع یادآوری شود. کاری که غیرقابل درک نیست. بالاخره جریانی سال‌ها برای موضوعی به این سادگی تلاش کرده و احساس می‌کند مطالبه بی‌غرض و مرض و بسیار ابتدایی و ساده‌اش نادیده گرفته شده و سببه پر زور دیگری را به

آنها ترجیح داده‌اند. خود این جریان هم با نیروهای گوشت و پوست و استخوان‌دار، قابل فهم است که واکنش‌هایی این‌چنین داشته باشند. مواجهه‌ای دیگر اما سعی می‌کند بر این احساس قابل درک مهار بزند و کسی را شکست خورده این حضور جلوه ندهد. واقعیت این است که کار راحتی نیست. خود صاحب این قلم که حالا از موضعی به ظاهر بالا و شیک این‌گونه اظهار نظر می‌کند، گاهی به آن احساسات بها داده است. اما اگر نگاه آینده‌نگرانه‌ای به مساله باشد، اتفاقاً ایجاب می‌کند که دولت فعلی و کل جریانی که یا از سر اکراه یا از سر اقناع، روزنه حل این مساله را گشوده، در اعتبار این گشایش سهم باشد. واقعیت هم این است که این حرف چندان بیراه نیست. نهادها و تریبون‌های مختلفی که می‌دانیم اگر این کار به دست دولت دیگری محقق می‌شد چه بلو‌هایی به پا می‌کردند، امروز یا همراهند یا ساکت. دولت نیز برای تحقق این موضوع، بنا به هر دلیلی که باشد همراهی کرده است. حال اگر قرار باشد با گشایشی در این حد کم، پیام شکست بگیرد آیا رغبت و انگیزه‌ای برای تداوم آن خواهد داشت؟ پاسخ روشن است. چه باید کرد؟ بی‌آنکه توهم تسری این گشایش به سایر حوزه‌ها را داشته باشیم و بی‌آنکه در مقام تحلیل، توصیه به غفلت از دلایل و زمینه‌های داخلی و خارجی این گشایش کنیم و از کنار آنکه موضوع مهمی برای درس گرفتن است بگذریم، دست‌کم از کنشگرانی که در پی تغییرات واقعی‌اند این انتظار می‌رود که در عرصه عمومی، تابع راهبرد دوم، یعنی راهبرد مصلحانه و دوران‌دیشانه باشند. این دست‌کم راهبرد اصولی‌تری است حتی اگر توفیقات بیشتری را در آینده متوجه جریان مدنی مطالبه‌گر نکند. چاره‌ای نیست. هیچ راه‌حل دفعتی برای حل مشکلات و شکاف‌های موجود به نظر نمی‌رسد. هیچ جریانی قابل حذف نیست. نه کسانی که آزادی و دموکراسی را دنبال می‌کنند با فشارها و تضيیقات مختلف از مطالبات‌شان دست کشیده‌اند و نه صاحبان اصلی قدرت و ثروت حذف شدند. حتی اگر آنها تحت تاثیر همان قدرت و ثروت چشم‌شان کمتر ببینند و گوش‌شان کمتر بشنود، کسانی که در پی تغییرند ناگزیر به باز نگه داشتن چشم‌ها و گوش‌ها، هرچند خسته و رنج‌دیده و سرشار از مواجهات خشم‌آفرین و ناامیدکننده‌اند. آیا تضمینی برای موفقیت این راهبرد در بازه زمانی خاصی هست؟ خیر. واقعاً خیر. توازن قوا و شرایط داخلی و خارجی اجازه چنین پندار ساده و خوشبینانه‌ای را به صورت قطعی، دست‌کم تا اطلاع ثانوی نمی‌دهد. اما هنوز بر سایر راهبردها ترجیح دارد. جا دارد در اینجا از یکی از صریح‌ترین و رادیکال‌ترین اصلاح‌طلبان که متأسفانه مدتی است در زندان است، یاد کنیم. سیدمصطفی تاج‌زاده که همواره تأکید داشته اگر کار بدی کردند انتقاد می‌کنیم و اگر کار خوبی کردند، حمایت و تشویق. او واقعاً هم

بر این قاعده عمل می‌کرد. اصلاح‌گری همین است.

□□□□□□ 1401 □□□□□□ 15 □□□□□□ □□□□□□ :□□□□